

تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس، ملوک هرموز

کتاب تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس، ملوک هرموز، تألیف استاد ارجمند دکتر محمدباقر وثوقی - استاد رشته تاریخ دانشگاه تهران - پژوهشی است در تاریخ ملوک هرموز. این خاندان که طی پنج سده حیات سیاسی خود (تقریباً در فاصله تهاجم مغولان به ایران تا دوره سلطنت شاه عباس اول) توانستند با اعمال مدیریتی منطبق با شرایط اجتماعی و اقتصادی منطقه خلیج فارس، وحدتی سیاسی به دو کرانه شمالی و جنوبی آن ببخشند و در سایه این وحدت، رونق اقتصادی و اجتماعی را برای شهرهای حاشیه خلیج فارس به ارمغان آورند. (به گونه‌ای که این منطقه نسبت به مناطق همجوار خود در حوزه اقیانوس هند و شرق آفریقا و دریای سرخ تفوق و برتری داشته باشد). به دلیل اهمیت نقش ملوک هرموز در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خلیج فارس تاکنون تحقیقاتی پیرامون آن صورت پذیرفته و مقاله‌هایی در این باره منتشر شده است، که در این میان سهم مطالعات خارجی بسیار بیشتر از تحقیقات داخلی است. با وجود تحقیقات صورت گرفته پیرامون تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملوک هرموز به دلیل مشکلات و موانع عمده، هنوز در ابتدای راهیم. مؤلف این مشکلات و موانع را به دو بخش اساسی تقسیم کرده است. بخشی از این مشکلات مربوط به نارسایی نظام‌های اطلاع‌رسانی در مسایل تحقیقی ایران و مراکز علمی آن است و بخش دیگر با موضوع مورد تحقیق ارتباط دارد. مؤلف برای رفع مشکلات بخش اول که مهم‌ترین آن فقدان منابع و مراجع مطالعاتی اصلی در کتابخانه‌ها و مراکز دانشگاهی ایران است، ناگزیر به ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و مؤسسات و محققین دیگر نقاط جهان شده تا از این راه فقدان این منابع را در ایران جبران کند. در مورد مشکل دوم که مستقیماً مرتبط با موضوع است، دو شیوه هم‌زمان توسط مؤلف دنبال شده است: یکی شیوه بررسی کتابخانه‌ای همراه با فیش‌برداری سالنامه‌ای و محتوایی براساس اولویت دادن به رویدادها در مقطع زمانی سده اول تا یازدهم هجری قمری، و روش دیگر، شیوه تحقیق میدانی در حوزه وسیعی از کرانه‌های خلیج فارس در دو قسمت شمالی و جنوبی آن است. محدوده این تحقیق سواحل و جزایر ایران حد فاصل سیراف - بندر طاهری کنونی - تا بندر جاسک را شامل می‌شود و علاوه بر آن مؤلف به بررسی نواحی پس کرانه‌ای در محدوده استان‌های کرمان، فارس بوشهر و جاده‌های باستانی این مناطق نیز، پرداخته است. همچنین سواحل جنوبی خلیج فارس، حد فاصل بندر ابوظبی تا مسقط در طول کرانه‌های جنوبی طی دو مسافت جداگانه مورد بررسی و تحقیق مؤلف قرار گرفته است.

یعنی سیراف و کیش بر تجارت منطقه است. از این رو مؤلف در فصل مستقل و جداگانه‌ای به بررسی همه جانبه دلایل و شرایط افول سیراف و کیش در صحنه اقتصادی منطقه و مکانیسم جایگزینی هرموز و تثبیت موقعیت این جزیره می‌پردازد. براساس فرضیه دوم، مؤلف برخلاف دیدگاه مورخین اروپایی که حوزه اجتماعی خلیج فارس را به دو بخش عربی و فارسی (ایرانی) تقسیم‌بندی می‌کنند، بر این باور است که تحولات اجتماعی خلیج فارس بر پایه همگرایی و وحدت اجتماعی این منطقه استوار است و تحولات اجتماعی در خلیج فارس در اصل ماهیتی واحد و یکپارچه دارد و تمایزات نژادی و قبیله‌ای تأثیر عمیق و همه‌جانبه‌ای بر روند حوادث این منطقه نداشته است.

سومین فرضیه در این تحقیق مربوط به تحولات سیاسی است و اساس آن بر وابستگی عمیق و همه جانبه رویدادهای سیاسی هرموز با دگرگونی‌های داخلی ایران بزرگ استوار شده است. به عبارت دیگر بر اساس این فرضیه حیات سیاسی ملوک هرموز وابسته به حمایت‌های جدی ایران و حکومت‌های مستقر در آن بوده و این پیوند و ارتباط، آن چنان عمیق است که جریانات سیاسی تاریخ ملوک هرموز را تابعی از تغییرات و تحولات سیاسی نشان می‌دهد.

این تحقیق در چهار فصل تدوین شده است: در فصل اول که با عنوان «ملوک هرموز از مهاجرت تا تثبیت» نامیده شده به دو پرسش اساسی پاسخ داده شده است ۱- منشأ ملوک قدیم هرموز ۲- چگونگی شکل‌گیری قدرت آنان. در فصل دوم به طور کامل به «تحولات سیاسی و اقتصادی هرموز در سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری» پرداخته شده است. در این فصل نیز دو پرسش اساسی مطرح شده است. ۱- «تأثیر یورش مغول بر جابه‌جایی قدرت در کرمان و فارس و اثرات آن بر روند قدرت‌گیری ملوک هرموز» ۲- «علل افول و رکود کیش در نیمه دوم قرن هفتم و جایگزینی هرموز به جای آن».

فصل سوم این تحقیق با عنوان «عصر بحران‌های داخلی»، تحولات اقتصادی و سیاسی هرموز در قرن نهم و پیش از ورود پرتغالی‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم با عنوان «عصر استعمار»، پرسش‌های متعددی مطرح شده و در پاسخ به آن موضوعات مختلفی بررسی شده است.

مؤلف در پایان هر بخش به نتیجه‌گیری مباحث مطرح شده پرداخته و پس از بررسی موضوعی مستقل به جمع‌بندی مطالب پرداخته است.



بنای این تحقیق بر سه فرضیه استوار است، این فرضیه‌ها، در واقع پاسخ‌های فراگیر و همه جانبه‌ای به پرسش‌های اساسی در جهت روشن‌شدن بخش مهمی از تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس است. براساس فرضیه اول، حاکمیت ملوک هرموز، ادامه روند تاریخی و منطقی تسلط بخش‌های اقتصادی جنوب ایران